

The reasons for not adhering to political power and its control mechanisms From Imam Ali's point of view

Received: 2018-12-02 Accepted: 2019-03-21

Seyed Hussain Fallahzadeh*

The purpose of the present study is to investigate the reasons for not adhering to political power and provide the necessary mechanisms to overcome it from Imam Ali's perspective. The research method was descriptive-analytical and the results showed that, based on the relics of Imam Ali (A.S.), the causes of the reasons for not adhering to political power can be attributed to self-esteem and forgetfulness of God's greatness and power, the notion of survival of power and neglect of its decline, and being surrounded of the ruler by sycophantic consultants and so on. In his view, the mechanisms of political power control can be categorized into both internal and external. Worship and piety, theism and faith in the Day of Judgment are among the internal factors; and the free space to speak to the ruler and to criticize him, to impose Enjoining good and forbidding wrong in community, to present the agenda and goals of the mission to the agents, to put overseers and monitors on their behaviors, to admonish and remind them of their weaknesses and dealing with offenders seriously, are of external mechanisms of controlling political power in Imam Ali's political opinions.

Keywords: Imam Ali (A.S.) Political Perspective, Failure to Control, Political Power, Islamic Agents.

*Associate Professor, Department of History, Bair al-Olum University, Qom, Iran.

Hossain270@gmail.com (Corresponding Author).

علل مهار گریختگی قدرت سیاسی و سازوکارهای کنترل آن از دیدگاه امام علی علیه السلام*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۲/۲

سیدحسین فلاحزاده**



سال بیست و دوم / شماره هشتاد و پنجم / بهار ۱۳۹۸

هدف پژوهش حاضر بررسی علل بروز مهار گریختگی و ارائه‌ی سازوکارهای لازم جهت برون‌رفت از آن از منظر امام علی علیه السلام است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد، با استناد به آثار برجای مانده از امام علی علیه السلام، علل مهار گریختگی قدرت سیاسی را می‌توان در خودبزرگ‌بینی و فراموشی قدرت و عظمت خداوند، تصور بقای قدرت و غفلت از زوال آن، احاطه‌شدن حاکم توسط مشاوران چاپلوس و غیره دانست. سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی از نظر ایشان به دو بخش داخلی و خارجی قابل دسته‌بندی است. تقوی و پرهیزکاری، خداپاوری و ایمان به روز قیامت از جمله‌ی عوامل داخلی؛ و وجود فضای آزاد سخن‌گفتن با حاکم و نقد او، وجود فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، ارائه‌ی برنامه و اهداف ماموریت به کارگزاران، قرار دادن عیون و ناظران بر رفتار آن‌ها، تذکر و یادآوری نقاط ضعف به آنان و برخورد جدی با کارگزاران متخلف، از موارد سازوکار بیرونی کنترل قدرت سیاسی در آرای سیاسی امام علی علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها: آرای سیاسی امام علی علیه السلام، مهار گریختگی، قدرت سیاسی، کارگزاران اسلامی.

* این مقاله مربوط است به همایش بین‌المللی «امام علی علیه السلام الگوی عدالت و معنویت برای جهان امروز» که در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در اسفند ۱۳۹۷ برگزار شده است.
** دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران (Hossain270@gmail.com).

مقدمه

قدرت (power) در جوامع انسانی تاکنون در اشکال گوناگونی هم‌چون قدرت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی و مانند آن بروز و ظهور یافته است. قدرت سیاسی (political power) که مدلی برجسته از قدرت است، چه قبل و چه بعد از پیدایش نهاد دولت، در تاریخ حیات بشری وجود داشته است. عواملی مانند توانایی جسمی برخی افراد باهوش، هنر مدیریتی، مالکیت، وابستگی به فرد یا خاندان خاص و یا فلان قبیله، که شاید بتوان از آن‌ها با عنوان منابع قدرت یاد کرد، بستر شکل‌گیری نخستین قدرت‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم آورده‌اند. با پیدایش نهاد دولت و تن دادن مردم به حاکمیت، قدرت سیاسی شکلی رسمی به خود گرفت و از آن زمان تاکنون مهم‌ترین شکل قدرت سیاسی پدیدار گشته است. از طرفی می‌توان گفت هر کدام از اشکال قدرت‌های دیگر، مانند اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره نیز صورتی از قدرت سیاسی را دارا هستند.

در ارتباط با قدرت سیاسی و دیگر اشکال قدرت، مباحث مختلفی را می‌توان مطرح کرد. چیستی و ماهیت قدرت، منابع شکل‌گیری آن و ابزارهای اعمال قدرت، از جمله‌ی این مباحث‌اند. در این بین، موضوع علل مهار گریختگی و چگونگی و سازوکار کنترل قدرت سیاسی از دیگر مباحث مهم و مطرح نزد اندیشمندان می‌باشد.

قدرت سیاسی چه در قالب‌های کهن و ماقبل نهاد دولت (مانند قدرت رئیس قبیله یا خاندان) و چه در قالب نهاد سیاسی و دولت، همواره با مشکل عدم کنترل و مهار گریختگی روبه‌رو بوده است. این دشواری حتی در دنیای کنونی و علی‌رغم وجود سازوکارهایی جهت کنترل قدرت سیاسی یافت می‌شود. در واقع مشکل مهار گریختگی قدرت سیاسی و تجلی آن در اشکال مختلف استبداد و خودمحموری از معضلات تاریخ سیاسی بشر به حساب می‌آید و از مهم‌ترین چالش‌های حیات انسانی محسوب می‌شود. قدرت، حتی در شکل فیزیکی و صنعتی آن نیز که در قالب انرژی و یا ماشین‌آلات مختلف نمودار شده است، در مواقع عدم کنترل و یا خارج شدن از کنترل، فجایع فراوانی به همراه داشته است. آمار گسترده‌ی تصادفات جاده‌ای، برق‌گرفتگی و مانند آن، مصداق این امر می‌باشند. برخی پژوهش‌گران بر این باورند این سوال که چه باید کرد تا صاحبان قدرت از سرکشی مهار گسیخته دست بکشند، از کهن‌ترین پرسش‌های سیاست‌اندیشان است (مفتح، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۶).





دور متفکران و اندیشمندان عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی به تفکر درباره‌ی این موضوع پردازند و درصدد ارائه‌ی راه‌حلی برای آن برآیند. برخی با لاینحل‌دانستن این مساله، طرفدار بی‌حکومتی یا آنارشسیسم شدند؛ درحالی‌که برخی دیگر مانند پیروان کنفوسیوس معتقد بودند با اموری مانند آموزش و اخلاق و مانند آن می‌توان بر صاحبان قدرت اثر گذاشت و دارندگان قدرت را به خردمندان میانه‌رو و خیرخواه تبدیل کرد. متفکرانی مانند افلاطون راه‌حل این مشکل اساسی را در حکومت مردان حکمت‌آموخته - یعنی فیلسوفان - در نظر گرفته‌اند (همان، ص. ۲۴۷). تامل بر این چالش بزرگ حیات سیاسی انسان، برخی از متفکران جدید را بدین رهنمون ساخته است که از منظری دیگر به موضوع فوق بنگرند. پوپر از جمله‌ی اینان است که معتقد است باید به‌جای پرسش از "کی باید فرمان براند"، پرسش تازه‌ای نشانند؛ بدین‌گونه که "چگونه می‌توانیم نهادهای سیاسی را سامان دهیم تا حاکمان بدکار و مستبد از گزندرسانی به جامعه و انسان‌های دیگر باز داشته شوند" (همان، ص. ۲۴۸).

منتسکیو - متفکر فرانسوی و صاحب کتاب روح‌القوانین - در اثر خود به موضوع شکل‌گیری فساد در حکومت‌ها می‌پردازد و همه‌ی انواع حکومت‌ها، اعم از مشروطه یا مردم‌سالار را در معرض این امر می‌داند. او با طرح موضوع تفکیک قوا معتقد است که بدون تحقق آن، آزادی محقق شود و باید فاتحه‌ی همه‌چیز را خواند. به‌نظر می‌رسد که طرح تفکیک قوا به‌طور کامل در راستای کنترل قدرت ارائه شده است؛ او می‌خواهد با جلوگیری از تمرکز تمام بخش‌ها و اشکال قدرت در یک فرد و قراردادن دیگر قوا در عرض آن، از تبدیل شدن آن به قدرت مهار گریخته جلوگیری نماید (منتسکیو، ۱۳۵۵، صص. ۲۳۵-۲۵۷).

موضوع فوق را می‌توان در دو محور "علل مهار گریختگی قدرت سیاسی" و "سازوکارهای کنترل آن" مورد بررسی قرار داد.

در ارتباط با پیشینه‌ی موضوع این مقاله تاکنون چند اثر کار شده است که هرکدام تا حدودی به برخی از محورهای آن پرداخته‌اند. سجاد ایزدهی (۱۳۷۸) در کتاب "نظارت بر قدرت در فقه سیاسی"، موضوع نظارت را در چهار مرحله‌ی کسب قدرت، اعمال قدرت، توزیع و گردش قدرت در فقه بررسی کرده است (صص. ۶۱-۲۵۵). بابایی (۱۳۹۱) نیز در کتاب "سازوکارهای مهار قدرت سیاسی در مذهب شیعه" به محورهایی از موضوع فوق پرداخته‌هایی داشته است (صص. ۱۶۱-۳۹۲). نبوی (۱۳۷۹) در کتاب "فلسفه‌ی قدرت" در



فصل هشتم به موضوع مهار و توزیع قدرت پرداخته و آن را به مهار بیرونی و درونی تقسیم کرده است (صص. ۳۹۶-۴۳۹). مفتاح (۱۳۸۸) گفتار دوم کتاب خود را به موضوع مهار قدرت اختصاص داده است (صص. ۲۴۶-۲۸۷). علاوه بر کتب فوق، مقالاتی نیز وجود دارند که به شکلی متعرض قسمت‌هایی از این موضوع شده‌اند. برای نمونه، کریمی (۱۳۸۵) در مقاله‌ی "نظارت و نقد قدرت در حکومت علی علیه السلام" به مسایلی مانند صراحت حاکمان، نظارت بر خویشاوندان و غیره در حکومت آن حضرت پرداخته است.

نظر به اندیشه‌های برجسته و والای امام علی علیه السلام، به خصوص آنچه در عصر زمامداری آن حضرت در قالب سخنان و نامه‌ها و دستورالعمل‌ها بروز یافته است، در این نوشتار می‌کوشیم تا موضوع فوق را از منظر آن امام همام مورد بررسی قرار دهیم. سوال اصلی این است که: از دیدگاه امام علی علیه السلام مهم‌ترین علل مهار گریختگی قدرت سیاسی و برجسته‌ترین سازوکار کنترل آن چیست؟ این مقاله درصدد است نخست با تبیین مسأله‌ی فوق در مقدمه، تعریف مفاهیم اصلی و تقسیم‌بندی محورهای مقاله، به جست‌وجو در خطبه‌ها و سخنان و نامه‌های امام علی علیه السلام - که در آثاری چون نهج‌البلاغه و کتب روایی و تاریخی منعکس است - بپردازد و با ارائه‌ی شواهد کافی و روشن به سوال اصلی پاسخ دهد.

۱. مفاهیم

۱.۱. قدرت و قدرت سیاسی

قدرت (power) گرچه در لغت به معنی توانایی داشتن و توانستن به کار رفته است، اما در اصلاح علوم سیاسی معانی متعددی دارد. "فرهنگ علوم سیاسی اکسفورد"، در مدخل قدرت آن را به معنای توان و ادارساختن مردم یا چیزها به انجام کاری که در غیراین صورت انجام نمی‌دادند، تعریف کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص. ۶۴۷). قدرت از نظر وی به پنج شکل اصلی طبقه‌بندی می‌شود که عبارت‌اند از: نیرو، ترغیب، اقتدار، قهر و دستکاری (همان، ص. ۶۵۱). ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف، قدرت را امکان تحمیل اراده‌ی خود بر رفتار افراد دیگر می‌داند (نبوی، ۱۳۷۹، ص. ۵۱)؛ وبر نه از منظر فلسفی وهستی‌شناسانه، بلکه از منظر مطالعات اجتماعی به مقوله‌ی قدرت می‌نگرد. راسل قدرت را عامل پدیدآوردن آثار مطلوب دانسته است (همان، ص. ۴۳)؛ او قدرت را در علوم اجتماعی متناظر با انرژی در علوم فیزیکی می‌داند.

قدرت می‌تواند منابع مختلفی داشته باشد. گالبرایت (۱۳۸۱) مؤلفه‌هایی هم‌چون



شخصیت، مالکیت و سازمان را از منابع مهم قدرت می‌داند (صص. ۳۹-۶۲). همچنین قدرت می‌تواند در اشکال مختلفی نمود پیدا کند.

۱,۲. مهار گریختگی

مهار گریختگی را می‌توان به معنای خروج از وضعیت عادی و تبدیل شدن به موجودی غیرقابل کنترل دانست. این اصطلاح بیش‌تر در مورد حیواناتی مانند اسب و شتر به کار می‌رود که انسان با قراردادن زمام در بینی یا گردن آن‌ها، بر کنترل رفتار آن‌ها تسلط می‌یابد و زمانی که از این وضعیت خارج می‌شوند، صفت مهار گریخته بر آنان اطلاق می‌شود. در عرصه‌ی قدرت سیاسی، آن‌گاه که حاکم یا فرد صاحب قدرت، خود را محدود به چارچوب یا قوانینی ننماید و به صورت خودسرانه و بدون در نظر گرفتن هر ضابطه‌ای اقدام کند، می‌توان این صفت را برای او به کار برد.

۱,۳. سازوکار کنترل

سازوکار را می‌توان وسیله، راه‌کار یا ابزاری در نظر گرفت که به وسیله‌ی آن بتوان قدرتی را مهار نمود. نسبت به قدرت سیاسی، اموری مانند: قوانین و مقررات سیاسی، سازمان‌های نظارتی، برخی ویژگی‌های اخلاقی و تربیتی و مانند آن را می‌توان به عنوان سازوکار کنترل محسوب نمود. سازوکار کنترل قدرت سیاسی را می‌توان به دو دسته‌ی درونی و برونی تقسیم کرد.

۲. قرآن کریم، مهار گریختگی و کنترل قدرت سیاسی

نگرش‌های سیاسی و اجتماعی علی علیه السلام در وحی و قرآن کریم ریشه دارد و از مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی برخوردار است؛ از این‌رو قبل از پرداختن به بررسی اندیشه‌های آن حضرت، موضوع فوق را به اجمال از منظر قرآن کریم بررسی می‌نماییم.

در قرآن کریم، قدرت چندین واژه‌ی معادل دارد؛ یکی از آن‌ها از ریشه‌ی "قدر" می‌باشد که در اشکال مختلفی هم‌چون: قادر، قدیر، مقتدر و مانند آن به کار رفته است. «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» (انعام، ۶۵)؛ «بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (قیامه، ۴). واژه‌ی دیگر "سلطان" است که در چند آیه به کار رفته است. «هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِي» (الحاقه، ۲۹). "استطاعت" نیز در قرآن کریم به معنای توانایی و قدرت به کار رفته است. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰).

انسان‌ها چه در مقام و منصب سیاسی قرار داشته و چه نداشته باشند، از آن‌جایی که شکلی از قدرت و توانایی - اعم از جسمی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن - را دارا

هستند، همواره در معرض تمرّد و سرکشی و خروج از خوی و خصلت انسانیت قرار دارند و شیطان همواره در کمین آن هاست. قرآن کریم که کتاب هدایت و راهنمایی بشر است، این موضوع را مورد اهتمام فراوان قرار داده و برای نمونه از زبان ملکه‌ی سباء، ملوک را این‌گونه توصیف کرده است: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أُذْلَةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ؛ گفت: پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباہ و عزیزانش را خوار می‌گردانند و این‌گونه می‌کنند» (نمل، ۳۴). در جایی دیگر می‌فرماید:

وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يَهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ؛
و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را
نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد (بقره، ۲۰۵).

از دیدگاه قرآن، عللی مانند احساس استغنا و بی‌نیازی به خداوند، خودشیفتگی، فراموشی فقر و نیاز، فراموشی مرگ و روز جزا از عوامل سرکشی و نقدناپذیری، طغیان و سرکشی است و ستم به دیگران از عوامل آسیب قدرت به حساب می‌آید. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْفَآءٌ أُن رَأَىٰ أَن رَّآهُ اسْتَعْتَىٰ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعَىٰ؛ حقاً که انسان سرکشی می‌کند. همین که خود را بی‌نیاز پندارد. درحقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست» (علق، ۶-۸).

علاوه بر ذکر عوامل سرکشی، قرآن کریم به موضوع کنترل و نظارت بر قدرت نیز توجه کرده است. در قرآن کلمه‌ی نظارت و مشتقات آن ۱۲۹ مرتبه تکرار شده است (دلآوری، ۱۳۸۱). قرآن به نظارت خداوند، فرشتگان و اعضا و جوارح آدمی بر او تذکر می‌دهد. برای نمونه در سوره‌ی غافر، از نظارت خداوند بر نگاه و آنچه در دل انسان هاست، سخن گفته می‌شود: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ [خدا] نگاه‌های دزدانه و آنچه را که دل‌ها نهان می‌دارند، می‌داند» (غافر، ۱۹). در مورد نظارت فرشتگان بر رفتار آدمی نیز می‌فرماید: «وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ؛ و قطعاً بر شما نگهبانانی گماشته شده‌اند؛ فرشتگان بزرگواری که نویسندگان اعمال شما هستند» (انفطار، ۱۰-۱۲). علاوه بر نظارت‌های بیرونی، قرآن کریم از نظارت زبان و دست و گوش و چشم و حتی پوست انسان‌ها بر آن‌ها سخن گفته است (نور، ۲۴؛ فصلت، ۲۰).

نظارت عمومی از طریق دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن نیز مورد توجه قرآن بوده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ؛ و باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴)

۳. امام علی علیه السلام و موضوع زمامداری و حاکمیت

امام علی علیه السلام علاوه بر فهم عمیق دینی و فلسفی، اهتمام گسترده‌ای به مقولات اجتماعی و سیاسی هم چون عدالت، ظلم‌ستیزی و نظام مطلوب سیاسی داشته است. از آن حضرت که علاوه بر حضور سیاسی و نظامی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله، خود نیز به مدت قریب پنج سال زمامداری مسلمین را - در فاصله‌ی سال‌های ۳۵ ه.ق تا ۴۰ ه.ق - برعهده داشته است، علاوه بر سیره‌ی عملی، سخنان فراوان و نامه‌های متعددی باقی مانده است که به شکلی به موضوع زمامداری و روش صحیح آن مربوط می‌شود. موضوع مهار گریختگی قدرت و سازوکارهای کنترل آن، از جمله‌ی موضوعاتی است که به نظر می‌رسد امام اهتمام به خوبی به آن توجه داشته است.

اگر نگوییم که از نظر امام علی علیه السلام قدرت حتماً به سرکشی و مهار گریختگی می‌انجامد، اما همواره در معرض آن قرار دارد؛ از این روی آن حضرت در سخنی، مصاحبان با سلاطین را به کسانی تشبیه کرده است که بر شیران سوارند و دیگران به آن‌ها غبطه می‌خورند؛ ولی خود می‌دانند که در چه وضعیت خطرناکی قرار گرفته‌اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۹۲، ج ۱۹، ص. ۱۷۱).

طغیان و سرکشی معاویه در برابر حکومت امام سبب شد که آن حضرت چندین نامه خطاب به وی بنگارد و به شکلی به موضوع سرکشی و مهار گریختگی اشاره کند. علاوه بر آن، ارسال کارگزاران متعدد از طرف آن حضرت به مناطق مختلف نیز باعث ارسال دستورالعمل‌ها و گاه تذکرات و نقدها یا عزل‌ها از طرف ایشان شده است؛ نمونه‌ی برجسته این دستورالعمل، نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه است که خطاب به مالک اشتر - کارگزار آن حضرت در مصر - نوشته شده است؛ این نامه حاوی نکات بسیار برجسته و مهمی در عرصه‌ی زمامداری است.

در ادامه‌ی این نوشتار می‌کوشیم تا موضوع علل سرکشی یا مهار گریختگی حاکمان و قدرت‌های سیاسی و سازوکارهای کنترل آن‌ها را از دیدگاه آن حضرت و با استناد به سخنان و نامه‌های باقی‌مانده از ایشان بررسی نماییم.



۴. علل مهار گریختگی قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام

۴,۱. ستایش ناروای حاکم

از دیدگاه امام علی علیه السلام یکی از عللی که باعث نوعی مهار گریختگی و به‌شکلی غیرقابل کنترل درآمدن حاکم می‌گردد، ستایش فراوان و ناروای او از طرف اطرافیان است. امام در عهدنامه‌ی معروف خود به مالک اشتر نخعی به هنگام ارسال او به مصر، در این زمینه می‌فرماید: «فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحَدِّثُ الزَّهْوَ وَ تُذْنِبِي مِنَ الْعِزَّةِ؛ ستودن فراوان خودپسندی آرد و به سرکشی وادارد» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). امام هم‌چنین در خطبه‌ای که در صفین برای مردم خواند، آنان را از ستایش خویش بازداشت و فرمود:

قَدْ كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ جَلَّالٌ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَ اسْتِمَاعَ الشَّنَاءِ وَ لَسْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ كَذَلِكِ؛ خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوست‌دار ستودنم و خواهان ستایش شوندم. سپاس خدای را که بر چنین صفت نزادم. (همان، خطبه‌ی ۲۱۶)

۴,۲. نگاه نادرست به قدرت و لوازم آن

از علل دیگر سرکشی و مهار گریختگی صاحبان قدرت سیاسی را باید در نگاه نادرست آنان به قدرت و لوازم آن مانند بیت‌المال دانست. امام جهت مبتلانشدن یکی از کارگزاران خود به این ویژگی، که خود سبب نوعی مهار گریختگی افراد می‌شود، نگاه درست به قدرت و بیت‌المال را به او یادآوری می‌نماید. ایشان در نامه‌ی خود به اشعث بن قیس، عامل آذربایجان، می‌فرمایند:

وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَةٍ وَ لَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْثِقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ؛ کاری که به‌عهده‌ی توست، نانخورش تو نیستی، بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به‌عهده‌ات گذارده؛ تو را نرسد که آن چه خواهی به رعیت فرمایی و بی‌دستوری به کاری دشوار درآیی. در دست تو مالی از مال‌های خداست عزوجل و تو آن را خزانه‌داری تا آن را به من بسپاری. (همان، نامه‌ی ۵)

۴,۳. تبعیت از هوای نفس

علت دیگر سرکشی و مهار گریختگی حاکمان از دیدگاه امام علی علیه السلام، به تبعیت آنان از هوای نفس بازمی‌گردد. امام در نامه‌ای خطاب به معاویه که در مقابل ایشان سرکشی اختیار کرده بود، می‌فرماید:

فَإِنَّ نَفْسَكَ قَدْ أَوْلَجْتَكَ شَرًّا وَ أَقْحَمْتَكَ غِيًّا وَ أَوْرَدَتْكَ الْمَهَالِكَ وَ أَوْعَرَّتْ عَلَيْكَ الْمَسَالِكَ؛





نفس تو را به بدی و زیان درآورد و به گمراهی داخل کرد و به مهلکه‌ها درانداخت و راه را
برایت دشوار ساخت. (همان، نامه‌ی ۳۰)

۴,۴. خودمحوری و اجتناب از مشورت

عدم مشورت و خودمحوری از دیگر علت‌های به‌خطرافتادن فرد و زمینه‌ی شکل‌گیری
نوعی استبداد در وی است؛ زیرا بسیاری از تصمیم‌های افراد بر زندگی دیگران نیز تاثیر
دارد. از این رو عدم مشورت با دیگران به‌معنای بی‌توجهی به آنان و نوعی تکبر و
خودمحوری است. امام علی علیه السلام در جایی می‌فرماید: «خاطر بنفسه من استغنی برایشه؛
هرکس که به رای خود قناعت کند، خویشتن را به خطر افکنده است». (آمدی، ۱۳۸۵، ص.
۷۷ و مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۷۴، ص. ۳۸۴).

از آن حضرت نقل شده است که فرمود: کسی که خودپسند رای خود باشد، به گمراهی
افتد و کسی که به عقل خود بسنده کند، بلغزد (حرانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۱). در جایی دیگر
می‌فرماید: «من استبد برایشه زل؛ هرکس خودرایی کند، به خطا افتد» (آمدی، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۳).

۵. سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام

سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی را می‌توان به دو دسته‌ی درونی و برونی تقسیم کرد.
منظور از سازوکارهای درونی آن دسته از اموری هستند که در اندیشه یا خلق و تربیت فرد
جای داشته و خودبه‌خود وی را از سرکشی و مهار گریختگی باز می‌دارند. در مقابل این
عوامل درونی، سازوکارهای بیرونی قرار دارند که به کنترل قدرت حاکم می‌پردازند و وی
را به شکلی مهار می‌نمایند.

۵,۱. سازوکارهای درونی

۵,۱,۱. اعتقاد و توجه به خدا

اعتقاد و توجه به خداوند و قدرت بی‌نظیر و بدون منازع او و اشراف او بر عمل بندگان،
همان گونه که افراد عادی را از گناه و معصیت بازمی‌دارد، سبب می‌شود حاکمان نیز به
قدرت خود مغرور نشوند و خوی سرکشی و استبداد و زمام‌گریختگی اختیار ننمایند. امام
علی علیه السلام در نامه‌ی مشهور خود به مالک اشتر، در کنار دیگر توصیه‌های برجسته، به او در
این زمینه می‌فرماید:

وَ إِذَا أَخَذْتَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أُبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ
قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يَطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكْفُ

عَنْكَ مِنْ غَرْبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنْكَ مِنْ عَقْلِكَ إِيَّاكَ وَ مُسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ وَ التَّشْبَهَةَ بِهِ فِي جَبْرُوتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَذِلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يَهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ؛ و اگر قدرتی که از آن برخورداری، نخوتی در تو پدید آورد و خود را بزرگ بشماری، بزرگی حکومت پروردگار را که برتر از توست بنگر که چیست و قدرتی را که بر تو دارد و تو را بر خود آن قدرت نیست؛ که چنین نگر بستنی سرکشی تو را می خواباند و تیزی تو را فرو می نشاند و خرد رفتنات را به جای باز می گرداند. بپرهیز که در بزرگی فروختن خدا را هم نبرد خوانی و در کبریا و عظمت، خود را همانند او دانی؛ که خدا هر سرکشی را خوار می سازد و هر خودبینی را بی مقدار.

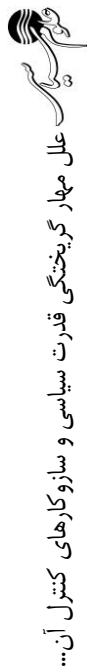
(همان، نامه‌ی ۵۳)

۵.۱.۲. تقوی و پرهیزکاری

گذشته از خداآوری، داشتن تقوی و پرهیزکاربودن نیز یکی از مهم‌ترین سازوکارهای کنترل انسان قدرتمند است. امام علی علیه السلام در عمده دستورالعمل‌هایی که برای کارگزاران خود صادر می فرمود، در ابتدا آنان را به مراعات تقوای الهی دعوت می کرد. برای نمونه، آن حضرت در ابتدای نامه‌ی مشهور خود به مالک اشتر، او را به تقوی دعوت کرده است (همان، نامه‌ی ۵۳). تقوی داشتن و ملتزم بودن به آن، نه تنها سازوکاری برای کنترل شدن درونی حاکمان است، بلکه سازوکاری برای کنترل همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی مواقع است تا از سرکشی و طغیان در برابر خداوند و هموعان خود بازایستند و به مراعات حقوق دیگران پایبند باشند.

۵.۱.۳. یاد مرگ

توجه به مرگ و پایان گرفتن حیات دنیوی و زوال آدمی و قدرت او، از دیگر عللی است که می تواند قدرت‌مندان را از انحراف و فساد باز دارد. از این رو امام در توصیف خود در ابتدای نامه ۳۱ که وصیت ایشان به فرزندشان می باشد، خویشان را با این صفت توصیف می نماید: «من الوالد الفان». حضرت در یکی از نامه‌های خود خطاب به معاویه می فرماید: «وَمِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ فِرَاقُ مَا جَمَعَ وَ نَقْضُ مَا أُبْرِمَ؛ و از آن پس (بعد از جمع کردن دنیا) جدایی است از آن چه فراهم آورده و درهم ریختن آن چه استوار کرده است» (همان، نامه‌ی ۴۹). از نظر امام، یادآوری زیاد مرگ سبب می شود که انسان به اندکی از دنیا راضی شود (حرانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۲).





۵.۲. سازوکارهای بیرونی

۵.۲.۱. فضای آزاد برای نقادی رفتار حاکمان

یکی از ابزارها و سازوکارهای مهم جهت کنترل قدرت سیاسی، وجود فضای آزاد جهت نقادی رفتار حاکمان است. این شرایط را بایستی حاکمان خود فراهم آورده و یا مردم آن را از حاکمیت مطالبه نمایند. امام در توصیه‌های خود به مالک اشتر، وی را به ایجاد فضای باز جهت اظهار نظر منتقدان دعوت می‌کند و او را بدین روش امر می‌نماید:

وَ اجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الْأَدْيَى خَلْفَكَ وَ تُعِيدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَغْوَانَكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ حَتَّى يَكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُسْتَعْتَبٍ ثُمَّ اخْتَمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَ الْعِي وَ نَحِّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَ الْأَنْفَ؛ وَ بخشی از وقت خود را خاص کسانی کن که به تو نیاز دارند. خود را برای کار آنان فارغ دار و در مجلسی عمومی بنشین تا در آن فروتنی کنی. خدایی را که تو را آفرید و سپاهیان و یارانت را که نگهدارند یا تو را پاسبانانند، از آنان باز دار تا سخن‌گوی آن مردم با تو گفت‌وگو کند، بی‌درمانگی در گفتار؛ و درست‌سخن‌نگفتن آنان را بر خود هموار کن. (همان، نامه‌ی ۵۳)

هم‌چنین امام در خطبه‌ای که در صفین ارائه می‌کند، خطاب به مردم می‌فرماید: «فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ لَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ؛ با من چنان که با سرکشان گویند، سخن مگویید و چونان که با تیزخویان کنند، از من کناره‌جویید» (همان، خطبه‌ی ۲۱۶).

۵.۲.۲. امر به معروف و نهی از منکر حاکمان

از جمله‌ی سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی و نظارت بر آن، وجود و اجرای سنت و تکلیف امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. در قرآن کریم در موارد متعددی مؤمنین به عمل به این فریضه دعوت شده‌اند. برای نمونه، لقمان فرزند خود را به عمل به این فریضه دعوت می‌کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ ای فرزندم! نماز را به پای دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان، ۱۷). در آیه‌ای دیگر آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به معروف امر می‌کنید و از منکر نهی می‌نمایید» (آل عمران، ۱۱۰).

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود خطاب به مردم می‌فرماید:

وَلَا تَنْظُرُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قَيْلٍ لِي وَ لَا التَّمَّاسِ إِعْظَامٍ لِنَفْسِي فَإِنَّهُ مَنِ اسْتَنْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلَ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقٍ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا أَمَنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يُكْفِي اللَّهَ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي؛ و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید و نخواهم مرا بزرگ انگارید، چه آن کس که شنیدن سخن حق بر او گران افتد و نمودن عدالت بر وی دشوار بود، کار به حق و عدالت کردن بر او دشوارتر است. پس، از گفتن حق یا رای زدن در عدالت باز مایستید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم؛ مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن تواناتر است. (همان، خطبه‌ی ۲۱۶)

امام علیه السلام در وصیت خود به فرزندانش نیز آنان را به اجرای امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌کند و عدم اجرای آن را سبب به قدرت رسیدن اشرار می‌داند:

لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوْلَى عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را وا مگذارید که بدترین شما حکمرانی شما را بر دست گیرند، آن گاه دعا کنید و از شما نپذیرند. (همان، نامه‌ی ۴۷)

۵.۲.۳. توجه به آرای عمومی

سازوکار دیگر جهت امکان کنترل بیرونی قدرت سیاسی، وجود شرایط امکان انتخاب حاکمان از طرف مردم و به اصطلاح اعتبارداشتن آرای عمومی است. امام در موارد متعددی نحوه‌ی تصاحب قدرت خود را به سبب بیعت عمومی می‌داند و برای مردم حق اختیارداشتن در انتخاب حاکمان قائل است. برای نمونه، آن حضرت در نامه‌ی ۵۴ نهج البلاغه خطاب به طلحه و زبیر می‌فرماید:

فَقَدْ عَلِمْتُمَا وَ إِن كَمْتُمَا أَنِّي لَمْ أُرِدِ النَّاسَ حَتَّى أَرَادُونِي وَ لَمْ أَبَايِعْهُمُ حَتَّى بَايَعُونِي وَ إِن كَمَا مِمَّنْ أَرَادَنِي وَ بَايَعَنِي؛ دانستید هر چند پوشیده داشتید که من پی مردم نرفتم تا آنان روی به من نهادند و من با آنان بیعت نکردم تا آنان دست به بیعت من گشادند و شما دو تن از آنان بودید که مرا خواستند و با من بیعت کردند.

امام در نامه‌ی اول نهج البلاغه نیز می‌فرماید: «وَ بَايَعَنِي النَّاسُ غَيْرَ مُسْتَكْرَهِينَ وَ لَا مُجْبَرِينَ بَلْ طَائِعِينَ مُخِيرِينَ؛ پس مردم با من بیعت کردند، نه نادلخواه و نه از روی اجبار، بلکه فرمانبردار و به اختیار».

۵.۲.۴. شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری

انتخاب کارگزاران صالح، درستکار و باتجربه از ابتدا و دقت در انتخاب آن‌ها و



متصف بودنشان به صفات برجسته، عامل نگه‌دارنده‌ی آنان از سرکشی و نوعی سازوکار کنترل است. این کار نوعی پیشگیری به حساب می‌آید و موجب کاهش زحمت بعدی می‌گردد. کارگزاران و حتی خود حاکمان و خلفا از ایمان، تجربه و اخلاق یک‌سانی برخوردار نمی‌باشند. برای نمونه، ثقفی از قول مغیره نقل کرده است که امام علی علیه السلام به موالی تمایل بسیار داشت و نسبت به آن‌ها نیک مهربان بود؛ در حالی که خلیفه‌ی دوم به شدت از آن‌ها دوری می‌جست (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص. ۴۹۹). دایره‌ی اخلاق عدالت‌محوری امام علی علیه السلام نه تنها موالی، بلکه اهل ذمه را نیز فرا می‌گرفت. آن حضرت در نامه‌ای خطاب به معاویه و در عکس‌العمل نسبت به غارت‌های سپاه شام به اهل ذمه می‌نویسد: وای بر تو؛ گناه اهل ذمه در ماجرای قتل عثمان چیست؟! (همان، ص. ۴۸۹).

امام در فرازی دیگر از نامه‌ی خود به مالک اشتر، وی را به اعمال دقت فراوان در انتخاب کارگزاران و توجه به اخلاق و سابقه و تجربه‌ی آن‌ها فرا می‌خواند و اوصافی را برای آنان بیان می‌کند تا پس از تصاحب قدرت، به سرکشی و تمرد روی نیاورند:

ثُمَّ أَنْظِرْ فِي أُمُورِ عَمَلِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ وَتَوْخُّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصْحَاءُ أَعْرَاضًا وَأَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا؛ سپس در کار عاملان خود بیندیش و پس از آزمودن به کارشان بگمار؛ و به میل خود و بی‌مشورت دیگران به کاری مخصوص‌شان مدار که به‌هواوی خودرفتن و برای دیگران ننگریستن، ستم‌گری بود و خیانت. و عاملانی این چنین را در میان کسانی جو که تجربت دارند و حیا؛ از خاندان‌های پارسا که در مسلمانی قدمی پیش‌تر دارند و دلبستگی بیش‌تر؛ اخلاق آنان گرامی‌تر است و آبروشان محفوظ‌تر و طمع‌شان کم‌تر و عاقبت‌نگری‌شان فزون‌تر. (همان، نامه‌ی ۵۳)

۵.۲.۵. برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری روشن

داشتن برنامه و دستورالعمل و روشن کردن اهداف برای هر فرد، سازمان و نظام سیاسی و قراردادن آن فراروی آن‌ها، از جمله‌ی سازوکارهای مناسب برای کنترل قدرت و عملکرد آنان می‌باشد تا با نشانه‌کردن و هدف‌گذاری روی آن اهداف و نقشه‌ی راه، از درافتادن مدیران و قدرت‌های اجرایی و سیاسی در وادی‌های دیگر و اتلاف امکانات دوری‌گزیده و عملکرد خود را با آن برنامه و اهداف هماهنگ سازند.

امام علی علیه السلام به‌هنگام اعزام کارگزاران خویش همواره چنین اهداف و غایات ماموریت

آنان را طی احکامی فرا روی آنان قرار می‌داد و آن‌ها را به جدّ و جهد جهت نیل و دست‌رسی به آن اهداف و دوری‌گزیدن از غلتیدن به کارهای شخصی و غیره فرا می‌خواند. برای نمونه، آن حضرت در ابتدای نامه‌ی خود به مالک اشتر، اهداف اصلی ماموریت او را این‌گونه فراروی او قرار می‌دهد:

هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْخَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا ... وَ أَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنْ الشَّهَوَاتِ وَ يَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ؛ این فرمانی است از بنده‌ی خدا علی امیرمومنان به مالک اشتر پسر حارث، در عهدی که با او می‌گذارد هنگامی که وی را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن را فراهم آورد و پیکار با دشمنان و سامان‌دادن کار مردم مصر و آبادکردن شهرهای آن. و او را می‌فرماید تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و هنگام سرکشی‌ها به فرمانش آرد که همانا نفس به بدی وامی‌دارد جز که خدا رحمت آرد. (همان، نامه‌ی ۵۳)

۵.۲.۶. گماردن عیون

وجود ناظران بر کارگزاران حکومتی و رصد عمل آنان در همه‌ی شرایط، از جمله‌ی سازوکارهای دیگری است که موجب کنترل عمل و رفتار آنان می‌شود. از نامه‌هایی که امام خطاب به بعضی از کارگزاران خود نوشته‌اند، برمی‌آید که رفتار آنان را همواره از طریق کسانی زیر نظر داشته و هیچ‌گاه آنان را رها نکرده است.

امام در نامه‌ی خود به مالک گوشزد می‌کند که بر رفتار کارگزاران خود کسانی را بگمارد تا اخبار آنان را به وی برسانند:

ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَ ابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ خَذْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَةِ؛ پس بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفای‌پیشه بر ایشان بگمار که مراقبت نهانی تو در کارهایشان وادارکننده‌ی آن‌هاست به رعایت امانت و مهربانی بر رعیت. (همان، نامه‌ی ۵۳)

امام علیه السلام خود بر کارگزاران خویش ناظرانی را قرار می‌داد تا اخبار آن‌ها را به نزد وی برسانند. از بسیاری از نامه‌هایی که به کارگزاران خود نگاشته و آن‌ها را از ارتکاب برخی اعمال بازداشته‌اند، چنین برمی‌آید که از طریق همان ناظران، اعمال آن‌ها را رصد می‌کرده است. برای نمونه، نقل شده است که آن حضرت به مصقلة بن هبیره - فرماندار اردشیر خره - که خبر یافته بود خراج آن‌جا را پراکنده می‌سازد و می‌بخشد، نوشت که خبری از تو





به من رسیده است که باور کردن آن بر من گران آمد که تو خراج مسلمانان را در میان بستگان و کسانی که بر تو درآیند، از درخواست کنندگان و دسته‌ها و شاعران دروغ‌گو پخش می‌کنی، چنان که گردو را. پس دقیقاً این گزارش را بازرسی می‌کنم و اگر آن را درست یافتم، البته خویش را نزد من زبون خواهی یافت. (یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۲، صص. ۱۱۳-۱۱۴).

حضرت در جایی دیگر به منذر بن جارود - فرماندار اصطخر - نیز این‌گونه نوشت که به من خبر رسیده تو بسیار می‌شود کار خود را رها می‌کنی و در پی شکار و سگ‌بازی به هوسرانی و گردش بیرون می‌روی؛ و سوگند می‌خورم که اگر درست باشد، تو را بر کارت کیفر دهم. پس هرگاه به نامه‌ام نگرستی، نزد من آی. (همان، ۱۱۸)

۵.۲.۷. گزارش‌گیری و بازخواست

علاوه بر روشن نمودن برنامه‌ی ماموریت و اهداف آن، کنترل و نظارت بر عملکرد کارگزاران، بازخواست ایشان در صورت عمل نکردن به اهداف ماموریت نیز از مهم‌ترین سازوکارهای کنترل قدرت به حساب می‌آید که باید در دستورالعمل هر نظام سیاسی‌ای جای استواری داشته باشد. امام علی علیه السلام بدون توجه به نوع رابطه‌ی خانوادگی یا عاطفی با کارگزاران خود، این‌گونه نظارت و بازخواست‌ها را همواره در دستور حکومت خود داشته و به آن بدون هیچ ملاحظه‌ای عمل کرده است. نمونه‌ی آن، توبیخ یکی از یاران خود یعنی کمیل بن زیاد یا تذکر به عثمان بن حنیف است. حضرت در نامه‌ی ۶۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ تَصْيِيحَ الْمَرْءِ مَا وُلِّيَ وَ تَكَلَّفَهُ مَا كُفِيَ لَعَجْزُ حَاضِرٍ وَ رَأْيُ مُتَبَرِّ... فَقَدْ صِرْتَ جِسْرًا لِمَنْ أَرَادَ الْغَارَةَ مِنْ أَغْدَائِكَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ غَيْرَ شَدِيدِ الْمُنْكَبِ وَ لَا مَهِيْبِ الْجَانِبِ وَ لَا سَادُّ ثَغْرَةَ وَ لَا كَاسِرٍ لِعُدُوِّ شَوْكَةً وَ لَا مُعْنٍ عَنْ أَهْلِ مِصْرِهِ وَ لَا مُجْزٍ عَنْ أَمِيرِهِ؛ واگذاردن آدمی آن‌چه را به عهده دارد و عهده‌دار شدن وی کاری را که دیگری باید گزارد، ناتوانایی‌ای است آشکار و اندیشه‌ای تباه و نابه‌کار تو پلی شده‌ای تا از دشمنانت هر که خواهد از آن بگذرد و بر دوستانت غارت برد. نه قدرتی داری که با تو بستیزند؛ نه از تو ترسند و از پشت گریزند؛ نه مرزی را توانی بست، نه شوکت دشمن را توانی شکست؛ نه نیاز مردم را برآوردن توانی و نه توانی امیر خود را راضی کنی.

۵.۲.۸. برخورد جدی با کارگزاران متخلف

برخورد جدی به‌وقت کوتاهی و انحراف کارگزاران، از مهم‌ترین راه‌کارها و

سازوکارهای کنترل قدرت آنان است. امام در مواردی، چنین برخوردهای صریح و تندی را در دستور کار خود داشته است. حضرت در خطاب به زیاد بن ابیه که در بصره نایب عبدالله بن عباس بود، می‌نویسد:

وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لِّئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَّيْلَ الْأَمْرِ؛ و همانا به خدا سوگند می‌خورم سوگندی راست اگر مرا خبر رسد که تو در فی مسلمانان اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال مانی و درمانده به هزینه‌ی عیال و خوار و پریشان‌حال. (همان، نامه‌ی ۲۰)

هم‌چنین امام در نامه‌ای به منذر بن جارود عبدی که در پاره‌ای از آن‌چه امام او را بر آن ولایت داده بود، مرتکب خیانت شده بود، نوشت:

فَإِنَّ صَلَاحَ أَبِيكَ غَرَنِي مِنْكَ وَظَنَنْتُ أَنَّكَ تَتَّبِعُ هَدْيَهُ وَتَسْلُكُ سَبِيلَهُ فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رَفِي إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْتِقَادًا وَلَا تَتَّبِعِي لِأَخْرَجِكَ عَتَادًا... وَ لِّئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شَسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُسَدَّ بِهِ نَعْرٌ أَوْ يُنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ أَوْ يَغْلَى لَهُ قَدْرٌ أَوْ يَشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمَنَ عَلَيَّ جَبَايَةً فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا؛ پارسایی پدرت مرا درباره‌ی تو فریفت و گمان کردم پیرو پدرت هستی و به‌راه او می‌روی، لیکن آن‌چه درباره‌ی تو به من خبر داده‌اند این است که از فرمان‌برداری هوایت دست برنمی‌داری و ذخیرتی برای آخرت نمی‌گذاری... اگر آن‌چه از تو به من رسیده است درست باشد، شتر خویش و تبار و بند پای‌افزار تو از تو بهتر است و آن‌که چون تو باشد در خور آن نیست که پاسداری مرزی را تواند یا کاری را به انجام رساند یا رتبت او را برافرازد یا در امانتی شریکش سازند. چون این نامه به تو رسد، نزد من بیا. (همان، نامه‌ی ۷۱)

نتیجه‌گیری

در ارتباط با قدرت، مباحث مختلفی هم‌چون ماهیت و چیستی قدرت، منابع قدرت، چگونگی توزیع آن قابل طرح است. بحث از علل مهار گریختگی و سرکشی قدرت سیاسی و سازوکارهای کنترل آن از جمله‌ی مباحث مهم دیگر مرتبط با حوزه‌ی قدرت است. سوءاستفاده از قدرت و طغیان و سرکشی آن در طول تاریخ که در قالب حاکمان مستبد و خودخواهی بروز یافته، این بحث را ضروری‌تر ساخته است. از این‌رو بسیاری از متفکران حوزه‌ی سیاست به این موضوع پرداخته و راه‌کارهایی برای آن جست‌اند. مقاله‌ی

حاضر کوشید تا موضوع فوق را از منظر امام علی علیه السلام بررسی نماید. حضور امام علی علیه السلام در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرصه‌های سیاسی و نظامی و در دست داشتن قدرت در عصر خلفا در فاصله‌ی سال‌های ۳۵ ه.ق تا ۴۰ ه.ق از یک طرف، و و از سوی دیگر ارائه‌ی خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان مهمی در عرصه‌ی سیاست‌ورزی و حکمرانی همانند دستورالعمل آن حضرت به مالک اشتر به‌هنگام اعزام وی به مصر این بررسی را مهم ساخته است.

از دیدگاه آن حضرت، عللی هم‌چون فراموشی قدرت و عظمت خداوند، خودبزرگ‌بینی و تصور بقای قدرت و غفلت از زوال آن، احاطه‌شدن حاکم توسط مشاوران چاپلوس و مانند آن سبب مهار گریختگی قدرت سیاسی می‌باشند. سازوکارهای کنترل قدرت سیاسی را نیز می‌توان از دیدگاه امام علی علیه السلام قابل دسته‌بندی شدن به دو بخش داخلی و خارجی دانست. از نظر ایشان متصف بودن به تقوی و پرهیزکاری، رسوخ خداآوری در وجود صاحب قدرت، برخورداری از ایمان به قیامت و روز جزا از جمله‌ی عوامل داخلی؛ و وجود فضای آزاد سخن گفتن با حاکم و نقد او، وجود فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، نقش داشتن مردم در انتخاب حاکمان، دقت کافی در انتخاب کارگزاران شایسته و باتجربه، ارائه‌ی برنامه و اهداف ماموریت به آنان، قراردادن عیون و ناظران بر رفتار آن‌ها، تذکر و یادآوری نقاط ضعف به ایشان به‌هنگام بروز آن و برخورد جدی با کارگزاران متخلف، از جمله‌ی مهم‌ترین سازوکارهای بیرونی جهت کنترل قدرت سیاسی محسوب می‌شوند.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (ترجمه) ترجمه ج. شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ابن ابی الحدید. (۱۳۹۲). شرح نهج البلاغه. ترجمه غ. ر. لایقی. تهران: کتاب نیستان.
- ایزدهی، س. (۱۳۷۸). نظارت بر قدرت در فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آمدی، ع. م. (۱۳۸۵). غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه م. موسوی. قم: دارالحدیث.
- بابایی ساخمرسی، م. (۱۳۹۱). سازوکارهای مهار قدرت سیاسی در مذهب شیعه. کهنوج: دانشگاه آزاد.
- بهشتی، ا. (۱۳۸۶). اندیشه‌ی سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه. قم: بوستان کتاب.
- ثقفی، ا. م. (۱۳۵۳). الغارات. المحدث ج. حسینی ارموی. تهران: انجمن آثار ملی.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد. ترجمه ح. احمدی. تهران: نشر میزان.
- حرانی، ا. م. (۱۳۸۸). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه م. م. سازندگی. قم: نوید اسلام
- دلاوری، ر. (۱۳۸۱). نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن. علوم سیاسی، شماره ۱۹، ص. ۱۱۲-۱۰۳.
- سلمانیان، ح. ع. (۱۳۹۰). قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- سیدباقری، ک. (۱۳۹۵). قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قاضی زاده، ک. (۱۳۸۹). سیاست و حکومت در قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کریمی، ع. (۱۳۸۵). نظارت و نقد قدرت در حکومت امام علی علیه السلام. شیعه‌شناسی، شماره ۱۶، ص. ۱۲۴.
- گالبرایت، ج. ک. (۱۳۸۱). آناتومی قدرت. ترجمه م. مهاجر. تهران: سروش.
- مجلسی، م. ب. (۱۳۷۵). بحار الانوار. تهران: اسلامیه، جلد ۷۴.
- مفتاح، م. ه. (۱۳۸۸). نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت. قم: بوستان کتاب.
- منتسکیو. (۱۳۵۵). روح القوانین. ترجمه ع. ا. مهتدی. تهران: امیرکبیر.
- نبوی، ع. (۱۳۷۹). فلسفه قدرت. تهران: سمت.
- یعقوبی، ا. و. (۱۳۶۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه م. ا. آیتی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.



References

Holy Quran.

(1990). Nahj al-Balagha (J. Shahidi, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi Publishing Co.

1. (2013). Tehran: .
 2. (1999). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy.
 3. (2006). Qom: .
 4. (2012). Kahnooj: Islamic Azad University.
 5. (2007). Qom: Bustan Ketab
 6. (1974). Tehran: .
 7. (2002). (H. Ahmadi, Trans.). Tehran: Mizan Publications.
 8. (2009). (M. M. Sazandegi, Trans.). Qom: Navid Islam.
 9. (2002). 19, 103-112.
 10. (2011). Qom: .
 11. (2016). Tehran: Publishing Organization of Institute for Islamic Culture and Thought.
 12. (2010). Tehran: Publishing Organization of Institute for Islamic Culture and Thought.
 13. (2006). 16, 124.
 14. (2002). (M. Mohajer, Trans.). Tehran: Soroush.
 15. (1996). (Vol. 74). Tehran: .
 16. (2009). Qom: Bustan Ketab.
 17. (1976). Tehran: Amirkabir Publications.
 18. (2000). Tehran: SAMT Publications.
 19. (1983). Tehran: .
-
1. A group of writers. (1381). Oxford Political Science Culture. Translated by H. Ahmadi. Tehran: Publication of the rate.
 2. Amadi, A. M. (2006). Pride and Alcohol. Translated by M. Mousavi. Qom: Dar al-Hadith.
 3. Babaei Sakhmarsji, M. (2012). Mechanisms of political power restraint in Shiite religion. Kohnuj: Azad University.
 4. Delaware, R. (2002). Monitoring power from the Qur'an's point of view. Political Science, No. 19, pp.112-103.
 5. Galbraith, J. K. (2002). Power Anatomy. Translated by M. Immigrant. Tehran: Soroush.
 6. Harani, AM (2002). Extravagance (H. Ahmadi, Trans.). Tehran: Mizan Publications.
 7. Ibn Abi al-Hadid. (2013). Description of Nahj al-Balagha. Translation Dislike. Tehran: Neyestan Book.
 8. Izdehi, S. (1999). Monitoring power in political jurisprudence. Qom:



- Institute of Islamic Science and Culture.
9. Judge, K. (2010). Politics and Government in the Qur'an. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
 10. Karimi, A. (2006). Monitoring and Criticizing Power in Imam Ali's Rule. Shiology, No. 16, p. 124.
 11. Majlesi, M. B. (1996). Bihar Alanwar. Tehran: Islamia, Volume 74.
 12. Mofteh, M. H. (2009). Theory of Power from the Qur'an and Sunnah. Qom: Bustan Ketab.
 13. Montesquieu. (1976). Spirit of the Laws. AA translation Wait. Tehran: Amir Kabir.
 14. Nabavi, A. (2000). Philosophy of Power. Tehran: SAMT Publication.
 15. Paradise, A. (2007). Alawi political-educational thought in Nahj al-Balagha's letters. Qom: Bustan Ketab.
 16. Saghafi, A. M. (1974). Algharat. Al-hadith c. Hosseini Ermoy. Tehran: National Works Association.
 17. Salmanian, R. (2011). Power in Imam Khomeini's Political Thought. Qom: Secretariat of the Assembly of Experts.
 18. Seyed Bagheri, K. (2016). Political power from the perspective of the Holy Quran. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
 19. Yaghoubi, A. (1983). Jacobite history (M. A. Ayati, Trans.). Tehran: Center for Scientific and Cultural Publications.